

انضباط

از: دکتر عباس اکرامی

برقراری انضباط برای معلمان تازه کار موضوعی است پس غامض و دشوار. معلمان با سابقه با آنکه با مظاهر مختلف کلاسداری و مفهوم انضباط آشنایی کامل دارند اطلاعات آنها در این زمینه ناقص و یاناسازگار بایافته‌های علمی و آموزشی است و صحت عقیده پدران و مادران در این باره نیز در خور تردید است. برقراری انضباط و فراهم آوردن محیط مساعد برای یادگیری اصولاً یکی از مشکلترین قسمتهای آموزش و پرورش است و رسیدن به هدف‌های آن حوصله اطلاعات کافی و فهم و تحقیق و مطالعه می‌خواهد. استفاده از روشهای معمولی و بی‌اعتبار اغلب بجای معالجه اطفال آنها راناسازگارتر می‌کند»

... علت انتقاد مردم از نحوه انضباط مدارس جدید آنستکه معنی و مفهوم انضباط صحیح برای معلمان و مردم روشن نیست. آزادی اطفال، جرأت و شهامت آنها در اظهار عقیده، رفت و آمد آنها در داخل کلاسها دست زدن بفعالیت‌های مختلف بحث و گفت و شنود با هم، اظهار عقیده بطوری طبیعی و بدون واهمه با معلمان و مقامات دیگر بظنراینان دلایل باورزی است بر بی‌انضباطی. بعکس آرامش ظاهری، اطاعت از روی ترس، احترام به معلمان بمنظور فرار از تنبیه و یابدست آوردن امتیازهای لازم نشانه‌هایی است از انضباط واقعی. قضیه درست بعکس است. آنچه در کلاسهای مدارس متمدنی می‌گذرد عین انضباط و سکوت مرگبار کلاسهای قدیمی که موجب تکوین شخصیت‌های ناهنجار است بی‌انضباطی بمعنی واقعی آن است.

برای پرورش شخصیت صحیح در افراد و برقراری نظم بمنظور ایجاد یک محیط مساعد و سالم برای یادگیری باید ابتداء هدف اصلی انضباط واقف شویم و سپس راه و رسم پرورش آن را بررسی کنیم.

آیا می‌خواهیم اطفال بکلی تحت سلطه معلمان و پدران و مادران خود باشند و بدون دستور و تجویز آنها بهیچ حرکت و عملی نپردازند؟ آیا می‌خواهیم جوانان را بکلی بحال خود رها کنیم تا بر اثر تجربه‌های شخصی و سعی و سهوهای متوالی و زیاد بمعنی و مفهوم انضباط و لزوم آن واقف گردند؟ آیا کمک به اطفال در درک و تشخیص رفتارهای پستندیده اجتماعی را مطمح نظر خود قرار میدهم و هدایت و راهنمایی آنها را وظیفه اصلی خود میدانیم؟ اگر نظر

اول را صحیح بدانیم باید اطفال مدارس را بمانند سربازان تربیت کنیم و ازوم اطلاعات از ما فوق و رعایت بدون چون و چرای دستورها را در نهاد آنها پرورش دهیم. در چنین نوع تربیت اجبار لازمه معناد ساختن شاگردان به اطاعت است و اعمالی از قبیل چوب زدن ، آزار دادن ، سلامت کردن ، ووادارساختن ایشان به عذرخواهی و نظایر آنها رواج پیدا می کند .

اگر نظر دوم را درست بدانیم باید به لزوم قانون در هراجماع و رعایت نظم و ترتیب در کارهایی اعتنا باشیم و از مسئولیت های خود برای هدایت و راهنمایی اطفال شانه خالی کنیم. بالاخره اگر از نظر سوم پیروی کنیم برای پرورش خصوصیات در شاگردان مانند انضباط درونی ، خویشن داری و ملاحظه دیگران ، می کوشیم و افرادی سالم برای زندگی در یک محیط

دسو کراتیک تربیت می کنیم . مدارس جدید از نظر اخیر پیروی می کنند . معلمان این مدارس میدانند که اطفال موجوداتی در حال رشد هستند و لذا گاه و بیگاه اعمالی از آنها سربمی زند که باروش معمول آنها متفاوت و ناسازگار است . به این حقیقت واقفاند که بسیاری از اعمال که بنظر بزرگسالان غیر طبیعی تلقی می شود ، برای خود اطفال کاملاً عادی و طبیعی است . بدون تردید انضباط لازمه انجام هر نوع کار است و یادگیری بدون محیط مساعد صورت نمی گیرد .

اطفال باید خواه ناخواه به نظم و ترتیب خوگیرند و به این منظور تنبیه صحیح آنها گاهی لازم است . اما باید بدانیم که فشار دائمی به اطفال و گرفتن هر نوع آزادی و فرصت تربیت از آنها تمسخر و تهدید و واداشتن آنها به اطاعت و اعتراف به گناهان و عذرخواهی ، هدف اصلی نیست ، مقصود همانگونه که ذکر شد تربیت افرادی است متعادل ، سازگار و مطمئن که احساس مسئولیت کنند و با ملاحظه و رعایت حقوق دیگران از آزادی کامل برخوردار شوند . تحقق چنین آرزویی

بزرگ بدون دادن فرصت به نو جوانان برای قبول مسئولیت هایی متناسب با توانایی و بیختگی آنان غیر ممکن است . مریبان باید بدانند که تربیت طفل اساس کار است نه راحتی آنان . اگر

در حین تربیت اجباری لازم آید باید توجه کامل به اثرها و عواقب آن در شخصیت طفل عملی گردد . اطفال باید مالا توقع و انتظار معلمان و پدران و مادران خود را بفهمند و آنها را بپذیرند

و رفتار خود را بر طبق آنها طرح ریزی کنند و الا فشار و تنبیه هموار لازم است و برای همیشه باید ادامه یابد . حقیقت مطلب آنستکه طرفداران عقیده لزوم نظارت دائمی و تنبیه خود را تا کاسیها

و سرخوردگیهایی نظایر آنچه که اطفال را به بی انضباطی می کشاند برخوردارند و بهمین دلیل به خطای طفل جنبه شخصی میدهند و عمل او را لطمه ای به شخصیت خود می دانند . دچار

عواطف شدید می شوند و ناخود آگاه به اعمالی بی اعتبار و خشونت آمیز دست می زنند و اطفال را بدون دلیل تنبیه می کنند . مطالعه سیر تحول تنبیه بسیار جانب است ابتدا تنبیه برای آزار

دادن و انتقام کشیدن بود ، سپس به منظور تلافی و مقابله با عمل خطای طفل صورت گرفت . شعار طرفداران این عقیده چنین بود : « کسیکه خطایی کند باید طعم نتیجه و عاقبت عمل خود را بچشد »

روشی صحیح است که مردم مالا تشخیص دهند کار درست کدام است و چرا باید بدان مبادرت کرد . مدت ها گذشت تا در اجرای تنبیه نظریه مداوا و معالجه پیش آمد . این نظریه

تحت تأثیر تحقیقات تربیتی پیدا شد به این معنی که تحقیقات جامعه شناسی روانشناسی و روابط

مقابل افراد ثابت کرد که در اغلب موارد تقصیر بگردن شخص خاطی نیست ، بلکه عوامل اجتماعی ونحوه زندگی ممکن است در بروز عمل خطا مؤثر باشند . پیروان این نظریه نجات و اصلاح فرد و ناسازگار ساختن او را با اجتماع لازم می دانند و روشهای خود را بر این مبنا طرح ریزی می کنند . اینها می کوشند بمانند پزشکان ابتدا درد را تشخیص دهند و سپس به معالجه آن بپردازند تحلیل رفتارهای ناهنجار شاگردان ، بررسی علل آن و تعلیم مجدد خاطی هادر مدارس مخصوص بهمین دلیل است .

نظریه پیشگیری :

این نظریه از کلیه تحقیقات جدید تعلیم و تربیت ناشی شده و مورد قبول است . هدف این نظر جلوگیری از بوجود آمدن شرایط موجب تبهکاری است . طرفداران این نظریه معتقدند که در صورت موجود بودن شرایط مساعد بدون تردید رفتار افراد شایسته خواهد بود . حال باید پرسید که انضباط و وجدان اجتماعی چگونه بوجود می آید و راه پرورش آن چیست ؟ با توجه به هدفهای انضباط که در مقدمه این فصل باختصار مورد بررسی قرار گرفت سه راه بنظر می رسد :

- ۱ - بحض بروز رفتار خلاف فرد خاطی را مورد ملامت و سرزنش و تنبیه قرار دهند .
 - ۲ - عمل خلاف او را ندیده گیرند و بگذارند خودبه خود به نتایج عملی که مرتکب شده است واقف گردد .
 - ۳ - هدایت فرد خاطی را بعهده گیرند و با ایجاد محیط مساعد ، با ارائه نمونه و سرمشق صحیح ، با توجه صادقانه در باره عمل خلاف و عواملی که موجب آن شده است و دادن فرصت کافی به وی برای تأمل و تجزیه و تحلیل عمل خود و نتایج و اثرهای آن در اجتماع موجبات پرورش انضباط را در وی فراهم سازند .
- برای آنکه در راه پرورش روحیه درست و انضباط درون موفق تر باشیم بهتر است ابتدا اعمال خلاف را از جهات مختلف طبقه بندی کنیم و برای جلوگیری از بروز آنها روش های مناسب ایجاد کنیم . آنچه در پائین آمده است یکی از انواع طبقه بندی است که ممکن است سر بیان را یاری دهد و برای آنها مفید باشد .

- ۱ - اعمال ناهنجار که موجب اصلی آنها انرژی زیادی افراد است .
نجوی کردن - حرکت زیادی و تکان دادن دست و پا - پرت کردن اشیاء با نظر طرف و آنطرف ، دنبال هم دویدن ، نوشتن یا کندن نام خود بر روی میز - خوردن آدامس - آدا و اصول در آوردن - خط خط کردن تخته - صداهای عجیب و غریب از خود در آوردن - یادداشت نوشتن برای یکدیگر ورد کردن آن از زیر میزها - به سرهم پریدن - از روی میزهای کلاس پریدن یا از زیر آنها گشتن - زرمه کردن - بیکدیگر کاغذ یا نوشته چسباندن - اشکال خنده آور کشیدن - قلقلک دادن و اذیت کردن - با صدای بلند خندیدن - پشت پا زدن - وارونه کردن میزها و

صندلیها و نظایر آنها .

اطفالیکه به اعمال فوق دست می‌زنند افرادی هستند سالم، بانشاط، دارای انرژی زیاد که کار جایی برای انجام دادن و مشغول داشتن خود ندارند و لذا برای سرگرمی خود بدون کوچکترین نظر سوء بقصد مزاحمت دیگران به اینگونه اعمال دست می‌زنند .

۲ اعمال خلاف مربوط به ناراحتی های بدنی :

بی‌قراری بر اثر تهویه بد - خمیازه‌های بی‌دربی - توجه نداشتن به گفته‌های معلم بعلمت حرارت زیاد اطاق - چیز خوردن در سر کلاس بعلمت گرسنگی - آشامیدن آب زیاد بعلمت خشکی هوا یا خوردن چیزهای شور - بی‌دقتی در حفظ اشیاء و اسوال شخصی - کثیف کردن اطاق بعلمت بی‌نظمی و ناسرتب بودن محیط آموزشی - بلندشدن از صندلی بعلمت نندیدن تخته سیاه سرفه کردن - خارا نندن تن و سر بعلمت کثیف بودن - حرکات بی‌جا و زیاد بعلمت نداشتن جای کافی برای نشستن روی صندلی و

۳ - حرکات و اعمال خلاف بعلمت برنامه ضعیف یا روش تدریس بد .

بی‌علاقگی و گوش ندادن بدرس - بی‌نظمی بهنگام توزیع یا جمع آوری وسایل - نجوی و مشوال کردن از دیگران بعلمت فهمیدن مطالب معلم - بی‌دقتی بعلمت عوامل مزاحم و قطع جریان طبیعی کلاس - غیبت‌های متوالی - مراجعه کارکنان مدرسه یا مستخدم بکلاس و دادن پیغام باحضار شاگرد - تأخیر ورود - خودداری در انجام تکالیف - رفع تکلیف کردن بی‌اعتنایی عمومی نسبت بمقررات کلاس - بی‌اعتنایی در جمع آوری وسایل - شایعه‌آفرینی - بی‌حوصلگی

۴ - حرکات و اعمال خلاف بعلمت میل شدید به خودنمایی و جاب توجه دیگران .

بیهوده در کلاس براه افتادن - دائماً بیز معلم نزدیک شدن - دست بلند کردن به منظور جواب دادن به سوالها - بزدادن - اشکال خنده‌آور کشیدن - درباره معلم و مقامات مدرسه حرف در آوردن و شایعه آفریدن - مطالب مزخرف نوشتن - ستلک گفتن به معلم و دوستان دیگر - لوس بازی در آوردن - با معلم شوخی کردن مثل گذاشتن سوش در میز او یا پنهان کردن تخته پاک‌کن مخالفت کردن با معلم و شاگردان دیگر - دخترهای کلاس را بوسایل مختلف ترساندن - خوشمزگی بيمورد و بی‌اندازه - با صدای بلند حرف زدن یا خندیدن - وضع ظاهر خود را بطریقی نامأنوس آراستن - دوست یابی بوسیله پول دادن و خوراکی خریدن - اعتراف به خطا بدون ارتکاب بدان - خود را به نادانی زدن خود را بناخوشی زدن یا در موقع کسالت شدید موضوع را بروی خود نیاوردن - گردن کلفتی کردن و شاخ و شانه کشیدن - داستانهای تخیلی را حقیقی دانستن - مخالفت کردن بيمورد - نقض عهدی مقررات

۵ - اعمال خلاف بعلمت‌های پنهانی و پیچیده ناشی از ناگامیها و سرخوردگیها :

بی‌اعتنایی نسبت به تنبیه - اعمال سلطه‌آسبز و حاکمانه - خرابازی و گردن کلفتی بی‌اندازه - گزافه‌گویی و خودنمایی دایمی - جسارت فوق‌العاده - بی‌ادبی - نزاع کردن - تقلب - دزدی -

اصرار در احراز مقام رهبری بدون لیاقت - اصرار در صحت عقیده شخصی - بی‌حیایی داهی
دسته‌بندی و تحریک دیگران بمنظور راه‌انداختن جنجال و معرکه - تخریب‌انانه مدرسه و اسوال
دیگران - سرپیچی دائمی از مقررات - قمار کردن - خوردن مشروب و کشیدن سیگار - شوخی
باسلمان و همکلامها بقصد اذیت و مزاحمت - ادا کلمات رکیک - کناره‌گیری از دیگران -
خجالتی بودن - گریه کردن - شرکت در اعمال خلاف - سرپیچی از مقررات - خوداری از انجام
تکالیف و بطور کلی در افتادن بامقامات بی‌رحمی و لذت بردن از آزار دیگران - بی‌درد بودن
و پوست کلفتی...

تشخیص علل بعضی از اعمال خلاف ساده و تشخیص برخی از آنها بسیار دشوار است
نظر معلمان از لحاظ بی‌انضباطی با عقیده متخصصان تفاوت بسیار دارد سربیان بطور کلی اعمالی
رایج انضباطی می‌دانند که راحتی ایشانرا سلب می‌کنند مثل بی‌پروایی در اظهار عقیده حرکت
زیاد - حرف زدن با دیگران و... در صورتیکه متخصصان و روانشناسان اعمالی نظیر کناره‌گیری
- خجالتی بودن - اطاعت صرف و سکوت بی‌اندازه را خطرناک و در خور اهمیت می‌دانند .

آنچه باعث نگرانی متخصصان است آنکه سربیان در بسیاری از موارد فقط به اثراتی در
نتیجه‌ی معالجه‌ها توجه می‌کنند ، عواطف خودرا در کار دخالت می‌دهند و به نتایج و
اثرهای اعمال خود در روی شخصیت شاگردان توجه نمی‌کنند .

اگر احتیاجات اساسی شاگردان ارضا شود بعضی از اعمالیکه خلاف نامیده میشود فرصت
تجلی پیدائی کند بطور کلی انضباط مسأله‌ای است که مانند سایر دروس و هدف‌های تربیتی
باید آموخته شود و همانگونه که مسئولیت آموختن مطالب باشاگردانست داراگشتن انضباط
درون نیز بمعهد خوداوست . اما همانگونه که شاگرد بر اثر تجربه‌های مفید - تفکر و تمرین و
ارزش‌یابی مطالب راسی‌آموزد برای داراگشتن انضباط نیز به محیط مساعد و تجربه‌های متناسب
نیازمند است . بوجود آوردن شرایط لازم از وظایف خانواده‌ها و سربیان است .

هرگاه در جریان پرورش انضباط به اصول کلی پائین توجه‌شود نتایج بهتری عاید میشود:

۱ - مقصود اصلی از برقراری نظم معتاد ساختن شاگردان بخواهشنداری ، ملاحظه
دیگران ، لذت بردن از اعمال صحیح ، پرورش احساس مسئولیت اجتماعی ، همکاری و نظایر
آنهاست و این کار از طریق آموختن مطالب لازم و ارزش‌ها سمهارت‌ها -علاقه‌ها عادات و وجهه
نظریات مساعد صورت می‌گیرد .

۲ - باآنکه موازین وحد نصاب‌های رفتار را مالا جامعه تعیین می‌کند شاگردان باید
برای تشخیص رفتار خوب از بدضوابطی داشته باشند . رسیدن به این ضوابط به کمک شاگردان
بی‌اندازه مؤثرتر و بهتر از آنستکه ضوابط را به آنها تحمیل کنند .

۳ - پرورش خصوصیات اخلاقی انضباط درون و معتقد ساختن افراد به معیارها و ضوابط
سورد پسند اجتماع عملی است بسیار طولانی و مستلزم طرح و اجراء برنامه‌های درازمدت .

۴ - شخصیت شاگرد حتی آنکه خطا می‌کند باید مورد توجه معلم باشد . مقصود دادن

امتیاز بشاگرد خاطی نیست منظور آنستکه بجای انتقام کشیدن پاسرزنش و تنبیه کردن شاگرد خاطی به علل اصلی رفتار او توجه کنیم و اصلاح و معالجه آنها را قبل از هر چیز بخواهیم.

۵ - شخصیت معلم در اصلاح رفتار شاگرد و پرورش انضباط در وی تأثیر فراوان دارد.

۶ - احترام به معلم هم لازم است .

معلمان برگزیده هیچوقت احتیاج به اجبار شاگردان بمنظور جلب احترام آنها ندارند، بلکه به قیمت روشهای صحیح - داشتن معلومات زیاد ، علاقمندی به شاگردان - آمادگی برای پاسخ دادن به سئوالهای شاگردان - اعتماد کردن به شاگردان - تمعّض نکردن و با انصاف بودن - کمک بشاگردان در مواقع ناراحتی و احتیاج احترام را برای خود می‌خرند. شاگردان میدانند کدامیک از معلمان درخور احترام اند. و از این کارنه تنها دریغ نمی‌کنند، بلکه در آن مبالغه هم می‌کنند .

۷ - هنگام معالجه شاگردان گاهی توسل به زور لازم است ولی هدایت و راهنمایی شاگردان باید مقدم بر هر کار دیگر باشد .

همانگونه که ذکر شد هدف اصلی پرورش افرادی است متعادل، خیرخواه، خویشتن‌دار و باصلاحه ، معتدبه رفاه دیگران ، آماده برای قبول مسئولیت و معتقد به لزوم آزادی - رسیدن به این هدف ها برنامه‌های صحیح و معلمان دلسوز صمیمی و باحوصله می‌خواهد و مدت‌ها نیز وقت می‌گیرد .

بپیش‌بینی‌های لازم میتوان محیطی مساعد برای یادگیری بوجود آورد و از تعداد خطا کاران بجزان قابل ملاحظه کاست . اقداماتی از قبیل طرح و اجرای برنامه‌های مفید - پیش‌بینی فعالیت‌های متنوع و بامعنی - بوجود آوردن مقصود در شاگردان ، مشغول داشتن اطفال به تجربه‌های آموخته - بحث و گفتگو - سئوال و جواب - مصور کردن مطالب - استفاده از لوازم آموزشی متنوع - گردش‌های علمی - بنمایش گذاشتن قسمتهایی از برنامه - تأمل و تفکر کردن در باره مسائل حیاتی و ارزنده - همکاری در اجرای طرح‌های مفید - همکاری در ساختن چیزهای لازم - تزئین کلاسها - تهیه گزارش‌های لازم - استفاده و ارزشیابی از کارهای انجام شده - جمع‌آوری نمونه‌ها - مصاحبه با دانشمندان - شنیدن سخنرانی‌ها - دیدن فیلم‌های جالب - مطالعه در کتابخانه و مراجعه به منابع علمی - تجربه و آزمایش - برپاساختن نمایشگاه - دکلمه و بازی کردن در روی صحنه تاتر - تشکیل انجمن‌های دانش‌آموزان - سیاحت و شاعر - رقابت‌های مشروع - مقاله نویسی - پیش‌بینی کارهای اضافی برای شاگردانی که زود کار خود را تمام می‌کنند و دعوت از آنها برای کمک به شاگردان ضعیف - سازگار ساختن مفاد برنامه با استعداد های متفاوت شاگردان - ستودن کار خوب شاگردان و بسیاری از کارهای آموزشی دیگر که شاگردان را بکار مفید مشغول میدارد و همچنین مرتب و منظم کردن وسایل کار - بهداشتی کردن محیط آموزشی - وجود آوردن نظم و ترتیب خاص برای اسب‌ر جاری کلاس و مدرسه - تعیین ضابطه‌هایی در مورد رفتار با دیگران ، کمک بشاگردان - دعوت از ایشان به همکاری و خدمت در آموزشگاه و آگاهی

مسئولیت‌هایی چند به شاگردان و بطور قابل ملاحظه از تعداد خاطیان سی کاهد .
با آنکه پیش‌گیری‌های معلم از بروز رفتارهای خلاف می‌کاهد، بکلی نمی‌تواند مانع ظهور آنها
باشد .

اقدامات پائین مفید بنظر می‌آید :

کلاس و تمام شاگردان را زیر نظر داشتن - خیر شدن به شاگرد خاطلی - نگاه کردن آمیخته
با تعجب به وی - احم کردن - برداشتن چیزهایی که موجب جلب توجه طفل و مانع دقت
او بدرس است. کتاب، تکلیف یا چیزی در اختیار طفل بگذارید تا به جای رفتار غلط از آن استفاده کند.
این عمل معلم یا تکان دادن سر یا اشاره کردن به شاگرد همراه است . شاگرد خاطا کار باید
احساس کند که معلم متوجه او است و رفتار نادرست او را تحمل نمی‌کند . هنگام تدریس -
نوشتن روی تخته - توزیع وسایل و غیره کمک شاگرد خاطلی را بخواهید تا فرصت خطا کاری
نداشته باشد .

شاگرد خاطلی را بکار دیگری مشغول دارید و به این وسیله او را به کار و کوشش دعوت
کنید .

جای او را عوض کنید یا رقیقش را از پهنوی او در جای دیگری بنشانید .
اگر از فرصت‌هایی که به او داده شده سوء استفاده کند امتیازات مربوط را از وی سلب کنید.
او را تا انجام کامل تکالیف در مدرسه نگاهدارید .

خودنمایی و لوس بازی مختصر او را در کلاس ندیده بگیرید ولی در خارج کلاس با او
صحبت کنید و عمل خلاف را به او تذکر دهید و اصلاح آنرا بخواهید. با چشم ناظر و مراقب
اوضاع کلاس باشید . اجازه ندهید خلاف کاری آغاز شود و ادامه یابد . آرام ولی محکم با ذکر
کلمه‌های موقوف کن - آرام باش - در جای خود بنشین اجازه ندهید رفتارهای خلاف
کوچک به رفتارهای زننده تبدیل شود بدون ناراحت شدن، نگرانی و عدم موافقت خود را از
عملی که طفل انجام می‌دهد نشان دهید .

در خارج از کلاس طفل را بخواهید و او را مورد مؤاخذه قرار دهید. مؤاخذه طفل در تنهایی
بسیار مؤثرتر از سرزنش او در کلاس است . علت عدم موافقت خود را توضیح دهید . از او
بخواهید نظرش را درباره بدی یا خوبی کاری که کرده است بیان دارد . فعالیت‌های کلاس
را موقوف کنید و در باره عملی که صورت گرفته و مانع پیشرفت درس شده است به بحث بپردازید
و نتیجه بگیرید . بحث در باره رفتارهای صحیح اجتماعی - تعیین ضابطه‌های رفتار به کمک
شاگردان - نوشتن مقاله در باره لزوم زندگی مسالمت‌آمیز - تشخیص شوخی‌های خوب یا بد و
بدون صلحه از شوخی‌های مضر و مزاحم - بحث در اطراف لزوم قانون در جامعه و نظایر آنها
در پرورش انضباط مؤثر است و باید در ضمن تعلیمات اجتماعی مورد استفاده سر بیان واقع شود.

اصلاح شاگردانیکه تمایل شدید به خودنمایی دارند :

این قبیل شاگردان به توجه همکلاسه‌ها و معلمان خود سخت نیازمندند . می‌خواهند خوب و مورد قبول باشند ولی راه و رسم رسیدن به این منظور را نمی‌دانند ولذا به رفتارهای غیر معمول دست می‌زنند . راه کلی اصلاح این شاگردان آنستکه انرژی آنها را در راههای پستدیده و قابل قبول بکار اندازند و از این راه تمایل شدید ایشانرا به جلب توجه دیگران ارضاء کنند .

اقدامات پائین مفید بنظر می‌آیند :

جمع‌آوری و توزیع وسایل - ایفاء نقش‌هایی در تئاتر - کمک به معلم در نشان دادن یا معرفی فعالیت‌های تازه - گزارش شفاهی - شرکت در تیم مشاعره - احراز مقام رهبری در کلوبها - خواستن راه حل برای مسایل مدرسه - حفظ و نگاهداری وسایل مدرسه - انجام مأموریت‌هایی در زمین بازی، راهروها و کتابخانه - برپاساختن نمایشگاه - رساندن پیغام از طرف معلم به مدیر و ناظم و بالعکس - تزیین کلاسها - سرپرستی امور - خدمت در گروه‌های امدادی مدرسه - رهبری و اداره دسته‌های ورزشی و هنری - کمک به انتشارات مدرسه - پاپس مدرسه - کمک بشاگردان ضعیف در انجام تکالیف یا سرور دروس - جمع‌آوری اعانه - کاپیتن تیم‌های ورزشی - تصدی جعبه‌اعلانات - اداره گروه‌هاییکه در رقابتهای مدرسه شرکت می‌کنند - خدمت و کمک در اجرای طرح‌های اجتماعی، واضح است که واگذاری این مسئولیت‌ها بشاگردان باید تدریجی و به متناسب میزان پختگی و تجربه شاگردان باشد و بعلاوه این مزایا نباید تنها نصیب کسانی باشد که بخودنمایی احتیاج دارند. همه‌شاگردان ، میتوانند چنین مسئولیت‌هایی داشته باشند و در راه نیل بسوی هدف‌های اجتماعی پیش روند.

انضباط شاگردان ناراحت و نامتعادل

در مورد شاگردانیکه ناراحتی‌های عظمی دارند برقراری انضباط پیچیده‌تر است زیرا تشخیص عوامل موجب ناراحتی اغلب به مشاهده در نمی‌آید و بعلاوه وضع و حالت هر فرد با دیگران متفاوت است و درباره نحوه‌های رفتار آنها نمیتوان حکم کلی صادر کرد . عمل و رفتار این قبیل شاگردان محصول ناکامیهای طولانی است و باروش‌های معمولی نمیتوان آنها را برطرف ساخت . معلمان در مورد این قبیل دانش‌آموزان که به کمک و راهنمایی‌های زیاد و معالجه و مداوا احتیاج می‌برند باید بسیار آگاه، باحوصله و متین و دلسوز باشند . باید بشاگردان بفهمانند که خود آنها را دوست دارند ولی باعمل و رفتار خلاف ضد اجتماعی آنها بهیچوجه موافقت ندارند . سپس از طریق مصاحبه با معلمان سابق بازدید از خانواده‌ها - مطالعه وضع و محیط زندگی و همرش از خود آنها اطلاعات جامعی در باره زندگی و علل احتمالی رفتار آنها جمع‌آوری کنند . معلمان با تجربه میدانند که رفتار دانش‌آموزان مثل همه رفتارهای دیگر معلول و در بسیاری از موارد مبین احتیاج‌های ایشان است . این قبیل دانش‌آموزان مانند دیگران می‌خواهند خوب باشند احراز موفقیت کنند و مردم به آنها اعتقاد و اطمینان داشته باشند اما

به معلمان خود اعتماد ندارند و بدانها گاهی بعنوان ناآشنا یا حتی مدعیان خود می‌نگرند. پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم و وظیفه معلم آنستکه باشاگردان به مصاحبه بپردازد و به آنها بفهماند که عات ناراحتی‌های آنها راسی‌داند و می‌خواند با آنها در رفع مشکل همکاری و کمک کند . باید بخوبی برای طفل خاطی روشن شود که چرا معلم با رفتار او مخالف است و بچه دلیل اجازه مبادرت بچنین اعمالی را به او نمی‌دهد . مدت‌ها طول می‌کشد تا شاگرد به معلم خود اعتماد کند و بخیرخواهی او واقف گردد . پرورش انضباط در این قبیل شاگردان از تعلیم هر درس دیگر مشکل‌تر است و در بسیاری از موارد همکاری متخصصان روانشناسی و روان پزشکی لازم می‌آید .

ملا این روحیه در افراد مذکور بوجود آید که مردم آنها را دوست دارند و بخوبی و ارزش آنها اعتماد و اعتقاد دارند . نگاه دوستانه معلم ، تأیید رفتارهای مورد پسند شاگردان ، ذکر کلمات امیدوارکننده و گرم ، کمک بایشان در بیان عواطف از طریق انجام کارهای دستی و هنری و علمی و خواندن داستانهای قهرمانی به پرورش صحیح در آنها کمک می‌کند .

توجه به نکات پائین موجب سهولت کار معلمان در برقراری انضباط است :

۱ - هنگام بروز اشتباه و خطا شاگرد خاطی را بنام صدا کنید و از او بخواهید ساکت باشد و از ادامه عمل خلاف خودداری کند . ذکر جملات کلی مانند کلاس ساکت باشد . آرام بگیرید و غیره بی‌فایده است .

۲ - پشت خود را بکلاس نکنید . مراقب اوضاع و احوال کلاس خود باشید . چشم خود را بشاگرد خاطی بدوزید و به این وسیله او را از عمل خلاف بازدارید .

۳ - واضح صحبت کنید تا شاگردان آخر کلاس مطالب شمارا بخوبی بشنوند .

۴ - بشاگردان آخر کلاس بیش از شاگردان جلوی کلاس توجه داشته باشید .

۵ - همه شاگردان کلاس را برای خطای یکنفر تنبیه نکنید .

۶ - تنبیه را طوری انتخاب کنید که در نظر شاگردان معقول باشد . هنگام تنبیه حالت انتقامجویی بخود نگیرید . خویشتن دارو خونسرد باشید و با توجه به اثر تنبیه در روی شخصیت اطفال به این کار مبادرت ورزید .

۷ - اطفال را به سعایت و «خبرچینی» تشویق نکنید .

۸ - هیچوقت بشاگرد خاطی اهانت نکنید و از تحقیر و استهزاء او بپرهیزید عذرخواهی شاگرد برای جبران خلافی که مرتکب گشته است خوب است ولی وادار ساختن او به عذرخواهی صلاح نیست .

۹ - تنبیه بدنی آخرین علاج است و پس از بکار بردن روشهای انضباطی دیگر در صورتیکه نتیجه مطلوب حاصل نشده باشد میتواند با رعایت شرایط خاص مورد استفاده قرار گیرد .

آنچه در بالا مطالعه شد خلاصه‌یی از سخنان آقای دکتر عباس اکراسی در کلاس آموزش خانواده بود .

چند تن از مدعوین پیشنهادهایی در این زمینه مطرح شود و به انجمن توصیه گردد که برنامه‌ی نیز برای نوجوانان در تعطیل مدارس در بعدازظهرها، طرح و پیشنهاد کند، تا وقت دانش-آموزان در ساعاتی که می‌توانند به سرگرمی‌های مفید و سازنده مشغول باشند، به بطالت نگذرد.

پس از آن مدعوین به سالن نمایش فیلم راهنمایی شدند، و در این سالن دو حلقه فیلم بنام‌های «شاید اگر...» و «داستان دوستی» (از سری فیلم‌هایی که بوسیله انجمن تهیه شده است) بنمایش گذاشته شد.

در پایان، جوایزی که برای نوجوانان در نظر گرفته شده بود، توزیع شد و نوجوانان در میان شور و شوقی وصف‌ناپذیر، و باخاطره‌ی بسیار شیرین از این برنامه دو ماهه، همراه والدین خود انجمن را ترک کردند.

برندگان مسابقه شطرنج که در این جلسه جایزه گرفتند، بترتیب اول تا سوم عبارت بودند از: پیمان یزدانی - مرزا افشار - پدیده قائلی.

کتابخانه در دوره

سراکش و مصر تأسیس کردید که همه آنها تقلیدی از «بیت‌الحکمة» مأمون بشمارمی‌آید که بررسی آنها خود نیاز به گفتاری مستقل دارد و بناگفته دکتر خطاب استادالعلوم مصر راه مبالغه نپیوده‌ایم چنانچه بگوئیم مأمون نخستین کسی است که شالوده‌واساس اولین دانشگاه اسلامی را پی‌ریزی کردوما نیز اضافه می‌کنیم که همکاری دانشمندان ایرانی را در تأسیس چنین مرکز عظیم علمی باید مورد تقدیر و تجلیل قرار داد، بدیهی است که ایرانیان چند قرن قبل از اسلام با اینگونه مؤسسه علمی آشنا شده بودند و دانشگاه جندی شاپور خودگواه صادق براین مدعا است بهرحال برای ما ایرانیان جای بسی افتخار است که نیاکان ما با سایر برادران مسلمان خود در تشبیه‌کاخ باشکوه

فرهنگ و معارف اسلامی مشارکت جدی و صمیمانه نمودند و این قولی است که جملگی برآندند و خلاصه آنکه پس از «دارالعلم» مأمون در فاصله دو قرن مراکز دیگری مشابه آن در بغداد و سایر شهرهای اسلامی باهمین نام تأسیس گردید که مشهورترین آنها عبارتند از:

۱ - «دارالعلم» شاپوروزیر پسر اردشیر (بغداد).

۲ - «دارالعلم» قاضی جلال الملک فرمانروای طرابلس (شام)

۳ - «دارالعلم» فقیه و مورخ شهیر ابوبکر عبیدالله بن علی بن نصر ناظر اوقاف مازستان عضدی (بغداد).

گفتار ما در اینجا پیرامون کتابخانه در دوران نخستین اسلام پایان می‌یابد و در مقاله آینده پیرامون مؤسسات علمی و مدارس مشهور این دوره باخوانندگان گرامی مکتب مام سخن خواهیم گفت. ان‌شاءالله